

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونگه ولت
نویسنده: یورگ کروناور
فرستنده: نسترن نصرتی
۱۲ می ۲۰۲۳

در یک مرحله نوین

سلسله مقالات درباره جمهوری خلق چین و راه طولانی مبارزه برای عدالت و رفاه.

بخش ۱۰: چین و روسیه .

تمایل به همکاری با یکدیگر بر اختلافات می چربد.



پیشرفت و ترقی چین جهان را تغییر داده است. جمهوری خلق نه تنها توانسته خود را از فقر رهانی بخشد. بلکه این کشور که از نظر اقتصادی بشدت رشد یافته است، مدتهاست که به یک فاکتور قدرت در جهان تبدیل شده است که سلطه جهانی غرب را به نبرد فرا می خواند. غرب به این موفقیت چین در زمینه رشد، ترقی و رفاه با حمله شدیدتر واکنش نشان می دهد – با جنگ اقتصادی و با تمرکز نظامی که نگرانی از درگیر شدن در جنگ جهانی سوم را در جهان افزایش داده است.

در مجموعه‌ای دوازده قسمتی یورگ کروناور در یونگه ولت به جنبه های اصلی این تحولات برای برجسته کردن پیامدهای ظهور جمهوری خلق برای روابط بین الملل می پردازد.

لی شانگفو وزیر دفاع چین آخرین بار در ۱۸ اپریل در مسکو تأیید کرد که چین و روسیه از نزدیک با هم همکاری می کنند.

او پس از صحبت های فشرده با همتای روس خود سرگئی شویگو گفت که نیروهای مسلح چین «همکاری نظامی، روابط نظامی-فنی و تجارت تسلیحات» خود را با روسیه گسترش خواهند داد. آنها می خواهند «همکاری دوجانبه را به سطح جدیدی ارتقا دهند.»

چهار هفته قبل از آن مشخص شد که روابط اقتصادی روسیه و چین نیز وارد ابعاد جدیدی شده است . تجارت بین دو کشور به سطوح بی سابقه ای رسیده و همچنان در حال رشد است . همچنین در ماه مارچ، رؤسای جمهور هر دو کشور، شی جین پینگ و ولادیمیر پوتین، تصمیم به تعمیق «مشارکت ستراتیژیک جامع» گرفتند .

بسختی می توان شک کرد: مسکو و بیجینگ در سطوح اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی شدیدتر از همیشه با یک دیگر همکاری می کنند .

این روابط در گذشته همیشه اینگونه نبوده است. از نظر تاریخی، روابط روسیه و چین بارها تیره و تار شده است . در قرن نوزدهم، روسیه در فتوحات قدرت های استعماری در چین شرکت کرد. ولادی وستوک که در سال ۱۸۶۰ تأسیس شد، تا آن زمان یک دهکده ماهیگیری چینی بود .

اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری خلق نیز گاه درگیری های تلخی را انجام دادند. در سال ۱۹۶۹ حتی درگیری هائی در رودخانه مرزی نوسوری رخ داد که تلفات زیادی هم داشت .

بیجینگ و مسکو به طور سیستماتیک همکاری خود را از دهه ۱۹۹۰ گسترش داده اند. با این حال، این در ابتداء به عنوان یک اتحاد انحصاری و برجسته برنامه ریزی نشده بود .

آغاز ارسال سیگنالها به غرب به زمانی که پوتین بلافاصله پس از تصدی ریاست جمهوری با مادلین آلبرایت، وزیر امور خارجه ایالات متحده دیدار کرد بازمی گردد، او اعلام کرد که غذاهای چینی را دوست دارد: «اما این بی اهمیت است. این روحيات و خلقیات ما نیست، روحيات ما اروپائی است. روسیه باید بخشی جدائی ناپذیر از غرب باشد.»

خطوط لوله گاز طبیعی این کشور نشان می دهد که مسکو هنوز اولویت های خود را در اروپا در آن زمان به وضوح می دید: تا سال ۲۰۱۴ همه آنها به سمت غرب حرکت می کردند .

با اعتراضات میدان و کودتا در کیف خلقیات پوتین و روسها تغییر کرد !

فعالیت های خصمانه غرب پیش از این محرکی برای نزدیکی مسکو و بیجینگ بوده است. اکنون همکاری ها تشدید شده است. در ماه مه ۲۰۱۴، هر دو طرف برای ساخت خط لوله «قدرت سیبری» که امروز گاز روسیه را به جمهوری خلق می رساند، موافقت کردند .

در اوایل سال ۲۰۱۹، بحث در مورد خط لوله قدرت سیبری ۲ شتاب بیشتری گرفت. به طور کلی، تجارت افزایش یافت و نیروهای مسلح هر دو کشور همکاری نزدیک تری با هم داشتند، از جمله مانورهای مشترک .

با این حال، اینها تفاوت ها را از بین نبرد. از زاویه قدرت گیری فزاینده اقتصادی چین، مسکو اغلب بیش از حد تحریک آمیز نسبت به غرب عمل می کند. روسیه که در سطح جهانی فاقد نفوذ اقتصادی است، از نیروهای مسلح خود برای تحکیم قدرت خود استفاده می کند .

با این حال، روسیه با این نگرانی درگیر است که از نظر اقتصادی توسط چین در یک اتحاد تنگاتنگ زیر گرفته شود . نمی توان این انتظار را داشت که همه اختلافات کاملاً حل شود،

چین تا به امروز جدائی کریمه و گنجاندن آن در فدراسیون روسیه را به رسمیت نشناخته است. همچنین در اصل حمله به اوکراین را رد می کند .

چین نیز به نوبه خود با مسلح کردن کشورهای هند و ویتنام توسط روسیه که تشنج های جدی با بیجینگ دارند و بنابراین می توانند سلاح های روسی را در برابر جمهوری خلق بکار گیرند مشکل دارد .

با این حال، چین و روسیه با یکدیگر همکاری می کنند و مصمم به شکستن سلطه غرب هستند .

یکی از ابزارهای این امر، سازمان همکاری شانگهای (SCO) است که در سال ۲۰۰۱ توسط روسیه، چین و چهار کشور آسیای مرکزی برای انجام اقدامات مشترک علیه تروریسم و جدائی طلبی – عمدتاً جهادی – تأسیس شد .

سازمان همکاری شانگهای که به عنوان یک اتحاد امنیتی تصور می شود – و گاهی به وضوح به عنوان «ناتوی شرقی» بزرگنمایی می شود – اکنون در حال رشد است. در سال ۲۰۱۷، هند و پاکستان به آن اضافه شدند. بلاروس و ایران در روند پذیرش پیشرفت خوبی دارند .

کشورهای دیگر از جمله عربستان سعودی، مصر، امارات متحده عربی و ترکیه به عنوان «شریک مذاکرات» به آن پیوسته اند. قطب مقابل غرب همچنان به رشد خود ادامه می دهد .